

برادران کوئن، پس از ساختن ۱۴ فیلم طی بیست و پنج سال، اینک در سینمای کم‌دی سیاه آمریکا جایگاهی ویژه برای خود یافته‌اند. بویژه که فیلم «No Country For Old Man» آن‌ها برندهٔ اسکار بهترین فیلم در سال ۲۰۰۸ شد.

این دو برادر با فیلم‌هایی چون Fargo، The Big Lebowski، Raising Arizona و Barton Fink و بسیاری دیگر، مکان‌هایی را به تصویر می‌کشند که بسیار به پیرامون ما شباهت دارند.

در سال‌های گذشته، این دو برادر موضوع بحث و گفتگوهای زیادی در نشریات سینمایی و نیز دیگر نشریات بوده‌اند چرا که ساختار ویژهٔ سینمایی و طنز سیاه سینمای آن‌ها بسیاری را تحریک می‌کند.

فیلم اخیر آن‌ها به نام «A Serious Man»

نوجوانی خود ساخته‌اند و شخصیت‌های فیلم را هم از دوستان و آشنایانشان الهام گرفته‌اند. اما ای‌تان کوئن می‌گوید که داستان فیلم، شخصیت‌ها و این که چه وقایعی برای آن‌ها اتفاق می‌افتد، ساخته و پرداخته ذهن خود آن‌هاست.

فیلم با یک داستان قدیمی یهودی آغاز می‌شود. اما این قصه قدیمی هیچ ارتباطی با داستان فیلم پیدا نمی‌کند! هر چند که این شیوه چندان دور از ذهن نیست و پیش از این نیز در دیگر فیلم‌های کوئن تکرار شده است.

برادران کوئن به عنوان فیلم‌سازانی کمال طلب، به سراغ ژانرهای آشنای هالیوود می‌روند و آنها را بازسازی می‌کنند، اما به هریک از آن‌ها به گونهٔ خاص خود می‌پردازند. هر فیلمی از نظر تصویری، فیزیکی، استعاره‌ای، نشانه‌های

جول : عدم توافق‌هایی داریم، درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم اما هیچ گاه دعوا نمی‌کنیم.

اتان : من معمولاً کارهای کامپیوتری را می‌کنم، چرا که تایپ کردنم بهتر است. ما ابتدا در مورد مسائل اتفاقی صحبت می‌کنیم و سعی می‌کنیم به نتایجی جالب برسیم که مصنوعی نباشند اما ما را به خنده و تعجب وا دارند.

جول : دربارهٔ «مرد جدی» باید بگویم که برای مدت زمان بلندی می‌خواستیم فیلم کوتاهی دربارهٔ بر میتزوا یک پسر (بر میتزوا: سن شرعی یهودی) بسازیم که به دیدن یک مرد روحانی یهودی می‌رود.

اتان : ما شخصیت این روحانی را بر اساس کسی که در کودکی می‌شناختیم، شکل دادیم. یک فرزانه، که زیاد حرف نمی‌زند، اما جذبهٔ روحانی دارد.

برادران کوئن و سینمای طنز

نگاهی به فیلم «مرد جدی»

جمال آریان

جول: فیلم دیگرمان به نام «O Brother, Where Art Thou» با ایده‌ای دربارهٔ سه کله پوک خنگ شروع شد.

اتان : سپس به ایدهٔ گریز از اسارت یک گروه خطاکار رسیدیم. این دو ژانر خوب با هم جفت و جور شدند و نقطهٔ شروع خوبی بود.

– آیا فیلم «بارتون فینک» که داستان فیلمنامه نویسی است که با گروه نویسندگان مبارزه می‌کند، طی کشمکش شما با گروه نویسندگان شروع شد؟

جول : بله درست زمانی که درگیر نوشتن فیلمنامهٔ «Millers Crossing» بودیم.

اتان : نقطهٔ حرکت ما، داشتن «جان

خاص خود را دارد. طنز خصلت جداناپذیر فیلم‌های برادران کوئن است. حتی این دو برادر در گفتگوهایشان، طنز، صراحت، بازیگوشی، شوخی و جدی‌رادرهم می‌آمیزند، به طوری که گاه به سختی می‌توان گفت چه هنگام پاسخ آن‌ها شوخی است و چه هنگام جدی. در این جا برگزیده‌ای از گفتگویی که با خبرنگار مجله G.Q انجام داده‌اند، می‌خوانید:

– سناریوهای شما چگونه شکل می‌گیرد؟
اتان : در اتاقی می‌نشینیم و مرتب دربارهٔ فیلم حرف می‌زنیم.

(مرد جدی)، داستان یک خانوادهٔ طبقه متوسط یهودی در شهر مینی‌آپولیس – ایالت مینه‌سوتا – است و وقایع آن در دهه ۶۰ میلادی در سال ۱۹۶۷ اتفاق می‌افتد.

جوئل و ای‌تان کوئن، نویسنده و کارگردان، مثل قهرمان فیلم تازهٔ خود، در حومهٔ شهر مینی‌آپولیس بزرگ شده‌اند و پدرشان هم یک پروفیسور دانشگاه بوده است. مکان‌های انتخاب شده برای بسیاری از صحنه‌های فیلم نیز اماکنی است که این دو برادر با آن آشنایی کامل دارند. گفته می‌شود که برادران کوئن این فیلم را بر اساس خاطرات دوران کودکی و



تودترو» و «جان گودمن» بود که لبه تختی نشسته اند.

– شنیدم در هنگام نوشتن سناریو Farbo ، زمانی که به صحنه ای رسیدید که کارل شوالتر متقلب – با بازیگری استیو بوسمی – با یک فاحشه در آپارتمان «شپ پرود فوت» – سرخیوست تبهکار – عشق بازی می کند، کار نوشتن را متوقف کردید؟

جول : درسته، فیلمنامه برای ماه ها دست نخورده روی میز ماند.

اتان : ماه ها ؟ در واقع سال ها.

جول : درسته، سال ها، آخرین خطی که نوشته بودیم می گفت : صحنه روشن می شود. آپارتمان «شپ» است، کارل مشغول ور رفتن با طرف است. نمی دانستم از آن به بعد چگونه داستان را ادامه دهیم.

اتان : سال ها بعد، یکی از ما به نوشتن ادامه داد و به آن خط افزود: «شپ به آپارتمان باز می گردد و کارل را می زند و درب و داغان می کند.» حالا می دانستیم چگونه داستان را ادامه دهیم.

– شما دو نفر در میانه سال های شصت یک هورین هشت میلیمتری را با کمک پولی که از زدن چمن خانه ها جمع آوری کرده بودید، خریدید. اسم فیلم های اولیه ای که بطور مشترک ساختید چه بود؟

جول : Lumberjacks of The North

Zeimera In Zambia

Would That I Could Circumambulate

اتان : و یکی دیگر که نامش بود:

« My Pits Smell Sublime »

– اتفاقات فیلم «مرد جدی» در سال ۱۹۶۷

رُخ می دهد و درباره زندگی پر مشکل شخصی و حرفه ای «لاری گوینک» است ، یک پروفیسور فیزیک، بی هیچ حس جاذبه ای. شخصیت های اصلی که آفریده اید، احمق و بی خاصیت هستند، اما گوینک تنها کسی است که منفعل و بی اراده است .

اتان : دوستی به ما گفت که یهودی ها داستان های آدم های بد شانس را دوست دارند. این یکی نهایت این نوع داستان هاست.

جول: ما فیلم دیگری نیز درباره شخصیت منفعل اصیلی ساختیم با بازیگری بیلی باب تورنتون – The Man Who Was Not There – گر چه که چاقویش را در کتف جیمز گاندولفینی فرو می کند.

اتان: به این دلیل که وقتی داشت خفه می شد، تکان می خورد و سیلی می زد.

جول: درسته، اما بیلی باب یک کمی بیشتر فعال بود.

– آیا شخصیت گوینک براساس شخصیت پدرتان است؟

جول: نه، اما برخی از جریان هایی که برای گوینک رخ می دهد، از حوادث روی داده شده در زمانی که پدر ما در دانشگاه مینه سوتا اقتصاد درس می داد، گرفته شده است.

– در یک صحنه، یک دانشجو می کوشد به گوینک رشوه بدهد تا نمره قبولی بگیرد. آیا این حادثه برای پدر شما نیز اتفاق افتاده؟

اتان: بله ، عالی بود.

جول: پدر ما خیلی ساده بود چون فکر کرد شاگردش بطور تصادفی پول را روی میز او گذاشته است. او متوجه آن اتفاق نبود تا اینکه مادرم موضوع را برایش روشن ساخت. پدرم برخلاف گوپنیک، این مشکل اخلاقی را نداشت که آیا باید پول را پس بدهد یا نه. او مسأله را به مدیران اطلاع داد.

– در تیتراژ پایانی فیلم «مرد جدی» این جمله می آید که: هیچ یهودی در طی ساخت این فیلم آسیبی ندید. آیا این شروعی برای ساخت فیلم های بیشتر درباره یهودیان است؟ جول: نمی دانم، باید درباره اش فکر کنم.

– شما در مورد برخی شخصیت ها متهم به ضد سامی گری شده اید، بویژه شخصیت دو طرفه جان توررترو در «Miller's Crossing». یک منتقد بیان کرده که التماس توررترو در مقابل یک کانکستر اسلحه به دست، توهینی است به یهودیان لهستانی که طی هولوکاست در جنگل ها پنهان شده بودند؟

اتان: همیشه چیزی غریب وجود دارد. جول: ما از منتقدین فرانسوی چیزی بدتر شنیدیم.

– در فیلم «مرد جدی»، یک گردباد رخ می دهد، آیا منتقدین فرانسوی به مشابهت آن در «The Wizard Of Oz» اشاره کرده اند؟

جول: تمامی فیلم هایی که طی بیست و پنج ساله گذشته ساخته ایم در واقع بازسازی فیلم «The Wizard Of Oz» بوده است. بله، واقعیت دارد. گاهی هوشیارانه این کار را کرده ایم، گاهی نیز متوجه این تاثیر پذیری نبوده ایم تا اینکه فیلم ساخته شده است. این فیلم تنها فیلمی است که از آن سوء استفاده کرده ایم.

اتان: من فکر نمی کنم این فیلم حتی فیلمی بزرگ باشد.

جول: نه نیست. ما بارها آن را روی صفحه تلویزیون دیده ایم.

– تا چه حد هوشیارانه از سایر فیلم ها قرض می گیرید.

اتان: به ندرت یا حداقل کمتر از آنچه به ما نسبت می دهند.

جول: ما با تماشای فیلم روی پرده تلویزیون بزرگ شده ایم و از کارگردانانی چون جان هیوستون و پرستون استورجس درس گرفته ایم. من عاشق کمدی موقعیت استورجس مانند «The Miracle Of Morgans Creek» هستم. از فیلم های هیچکاک، «روح» و «سایه تردید» را دوست دارم.

اتان: بارتون فینک (Barton Fink) به رومن پولانسکی مدیون است. پولانسکی به عنوان یک کارگردان، همواره فراتر از مفهوم آشکار روایت می رود. جول: هیچ کس نمی تواند پولانسکی را در ایجاد کمدی شکست دهد.

– وودی آلن شاید تنها دیگر فیلمساز آمریکایی است که به اندازه شما آزادی عمل دارد. آیا فیلم های او را دوست دارید؟

جول: فیلم های اخیرش را؟ اتان: یا فیلم های اولیه خنده دارش را؟ جول: فیلم های اولیه اش را دوست دارم. اما در واقع، برای هر دو ما بسیار دشوار است که انگیزه ای بیابیم که به دیدن فیلم های دیگر برویم.

اتان: این روزها فقط به دیدن فیلم هایی می رویم که بتوانیم بچه هایمان را با خود ببریم.

جول: من بچه ای چهارده ساله دارم که بزرگترین دوستدار «ویل فزل» در دنیاست. من مخالف فیلم های او نیستم، خیلی هم خنده دار هستند، اما این تنها دلیلی است که پسرم پدرو به دیدن فیلم های او می رود.

اتان: جول «Dodge Ball» را بارها دیده است.

– نظرتان راجع به فیلم های «Judd Apatow» یا برنامه های تلویزیونی وی چیست؟

اتان: «I Love You, Man» تا حدی خنده دار بود.

جول: این فیلم نشان می دهد که ما چه آدم های اُمّلی هستیم. ما این فیلم را دیدیم، لحظات خنده داری داشت، اما خیلی لحظات نیز ما را متعجب می کرد.

اتان: بله تکان دهنده بود. جول: تعجب می کنم چرا درباره چنین فیلم مهمی به اندازه کافی صحبت نکرده اند. فیلم حیرت آوری است. فیلمی خارج از جریان معمولی فیلمسازی، شاید هم من قدیمی باشم.

– فیلم «Big Lebowski» شما در میان جوانان بیشترین پژواک را داشت، بطوری که همایش سالانه برای آن ساخته اند و علاقه مندان مانند شخصیت های فیلم لباس می پوشند و مراسم اجرا می کنند. آیا مایل بودید فیلمی روشنفکرانه محبوب این گروه بسازید؟

جول: نه، و مطمئناً چنین عکس العملی را پیش بینی نمی کردیم. واقعاً باعث تعجب ما شد. در مورد فیلم بعدی نیز همین طور فکر می کنم.

اتان: من هم همینطور فکر می کنم.

– آیا برای «Big Lebowski» بخش بعدی در نظر دارید؟

جول: نه، اما می خواهیم بخش دیگری در ادامه «بارتون فینک» بسازیم.

اتان: و آن را «Old Fink» بنامیم. جول: آن فیلم در سانفرانسیسکو طی تابستانی عاشقانه رخ می دهد.

اتان: بارتون در این فیلم پروفیسوری میان سال است که در برکلی تدریس می کند با خط ریشی بلند و خاکستری و مدال های درشت.